
خندمین تر افسانه
جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی

اسماعیل امینی





خدمت‌میر تر افسانه

جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی

نویسنده: اسماعیل امینی

لیتوگرافی: محمدی

چاپ و صحافی: چاپ سوره

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴ - ۵۰۶ - ۰۸۹ - ۳

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

امینی، اسماعیل

خدمت‌میر تر افسانه، (جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی) / نوشته اسماعیل امینی. - تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵.

۱۳۵ ص.

ISBN: ۹۶۴ - ۵۰۶ - ۰۸۹ - ۳

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات نیا.

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی - لطیفه، هجو و طنز.
۲. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۲۷ ق. مثنوی - نقد و تفسیر.
۳. طنز فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد.
۴. شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد.
- الف. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی، برگزیده، شرح، ب. شرکت انتشارات سوره مهر، ج. عنوان، د. عنوان: مثنوی، برگزیده، شرح.

۸۵۱

PIR ۵۳۰۱ الف ۷۵

۱۳۱

۸۴ - ۲۱۵۶۲

کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچه جمشید جم، شماره ۷۲.

صندوق پستی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۴۸ • نمابر: ۶۶۴۶۹۹۴۷

تلفن مرکز پخش: ۵ - ۹۹۲ - ۶۶۴۶۰

www.IRICAP.com

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: مروری بر ملاحظات نظری
۳۳	فصل دوم: نگاهی به کتاب تلخند
۴۳	فصل سوم: طنز و اهداف عالی آن در مثنوی
۶۵	فصل چهارم: روش طبقه‌بندی طنز و شوخ‌طبعی در مثنوی
۷۳	فصل پنجم: فشرده حکایت‌ها و تمثیل‌های طنزآمیز و شوخ‌طبعانه مثنوی
۱۲۹	فصل ششم: طبقه‌بندی حکایت‌های طنزآمیز مثنوی بر اساس اهداف مورد تهاجم
۱۳۹	منابع و مآخذ

این مختصر
به محضر استاد گرانقدر
جناب آقای دکتر اصغر حلبی تقدیم می شود

تقدیر و تشکر

مراحل مطالعه و تدوین این رساله بیش از آن که تصور می کردم به درازا کشید و اینک که به فضل الهی پایان پذیرفته است بر خود فرض می دانم که سپاس و قدردانی خود را از استادان و بزرگانی که یاری گر این پایان نامه بوده اند نثارشان کنم.

استادان ارجمند آقای دکتر برات زنجانی راهنمای رساله، آقای دکتر علی محمد مودنی استاد مشاور که راهنمایی و نکته سنجی و دانش ایشان دشواری این راه را آسان می نمود.

استادان گرانقدر آقای دکتر علی اصغر حلبی و آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که آموخته هایم از کلاس درس و آثار ایشان و افزون بر آن راهگشایی ها و ارائه طریق هایشان در شکل گیری و سامان یابی این رساله نقش بنیادین داشت.

۸ □ خندمین تر افسانه (جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی)

هم‌چنین از همکاری صمیمانه کارکنان موسسه گل‌آفا و به ویژه سرکار خانم گیتی صفرزاده که امکان بهره‌مندی از کتابخانه و منابع موجود در موسسه را برایم فراهم ساختند، سپاسگزارم.

این رساله اگر واجد ارزشی باشد، مرهون این بزرگان و همه استادان و ادیبان و پژوهشگران و مفسران مثنوی معنوی است و کاستی‌های آن نیز البته برآمده از کاستی دانش و شتابزدگی‌های نگارنده است. باشد که اهل ادب به دیده اغماض در آن بنگرند.

پیشگفتار

به دریایی درافتادم که پایش نمی بینم
کسی را پنجه افکندم که درمانش نمی دانم
سعدی

هم دل باختگی به مولانا و اندیشه ها و آثار او و هم سحر بیان خاص مولانا در مثنوی معنوی، انگیزه اصلی این پنجه افکنی نابرابر و دل به دریا زدن بی پروا بود. آشنایی با طنز و تجربه هایی که از طنزنویسی طی سالیان کسب کرده بودم مرا چون آن نحوی مغرور اعتماد به نفس می بخشید و از بیم موج و بضاعت اندک غافل می کرد.

تصورم این بود که دل نشینی طنز، همراه با شیوایی حکایات مثنوی این جست و جو و دشواری هایش را چندان حلاوت خواهد بخشید که با سرعت راه به مقصود خواهم برد. اما آن گاه که چند گامی از ساحل این دریا دور شدم سیلاب و امواج اندیشه و هنر و بیان مولانا رخ نمون شد و بی کراتگی و بی سویی چهره کرد، شوق کنکاش و آموختن و کشف زیبایی های ناشناخته، بر شتاب زمان و بیم دستخوش گرداب شدن چیره شد و اگر نبود دستگیری و راهنمونی استادان و آموختگان این راه، چشم نوازی و دلربایی مناظر و مریای این بحر، مانع دستیابی به مقصود می شد.

این جست‌وجو که حاصلش در قالب شش فصل ارائه می‌شود به ارزیابی طنز و جلوه‌های آن در مثنوی معنوی می‌پردازد و در صدد پاسخگویی به این پرسش است که:

طنز و انواع آن چه کارکردی در مثنوی دارند و تا چه اندازه در جهت اهداف غایی مولانا از انشای مثنوی هستند؟

فصل نخست، مروری است بر ملاحظات نظری درباره طنز و شوخ‌طبعی و شاخه‌های آن که دو گونه طبقه‌بندی معطوف به چرایی و چگونگی انواع طنز را بررسی می‌کند و به ارزیابی تعریف‌ها و روش‌های طبقه‌بندی گونه‌های طنز می‌پردازد.

در فصل دوم، کتاب تلخند (بررسی طنز در داستان‌های مثنوی) از مهدی برهانی به عنوان نمونه‌ای از مطالعات پیشین در موضوع رساله، نقد و بررسی می‌شود.

فصل سوم، تحت عنوان طنز و اهداف عالی آن در مثنوی، بحثی است درباره حکایت‌های بی‌پروا، هزل‌آمیز و گاه شنیع و مستهجن در مثنوی که با مروری بر نقش طنز در آثار صوفیانه آغاز می‌شود و در نهایت به چگونگی هم‌نشینی گونه‌های هزل‌آمیز و رکیک شوخ‌طبعی با مباحث کلامی و الهیات و معارف دینی در مثنوی می‌پردازد.

در فصل چهارم، روش طبقه‌بندی طنز و شوخ‌طبعی در مثنوی و اختصاصات آن مطرح می‌شود.

فصل پنجم، خلاصه‌ای از حکایت‌های طنزآمیز مثنوی را به ترتیب دفترها و شماره ابیات در بر دارد و در پایان هر حکایت به شگردهای مطایبه در آن حکایت اشاره‌ای آمده است و در برخی از آن‌ها، نقاط پیوند حکایت‌های طنزآمیز با بستر اصلی اندیشه و ساختار حاکم بر مثنوی باز نمایانده شده و

خندمین تر افسانه (جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی) □ ۱۱

چگونگی تلفیق میان صورت گاه به شدت نازل و مبتذل با معانی بلند و ارجمند، مطرح شده است.

فصل ششم، به طبقه‌بندی حکایت‌های طنز مثنوی بر اساس اهداف مورد تهاجم اختصاص یافته است. در این فصل چهار گروه اصلی به عنوان اهداف مورد تهاجم در حکایت‌های طنزآمیز و شوخ طبعانه مثنوی مطرح شده‌اند که عبارتند از:

۱. مسائل جنسی و قبیاح افعال و اسافل اعضا

۲. باورهای مذهبی ظاهرینان

۳. روش استدلال و مباحثه اهل فلسفه و منطق

۴. خصلت‌های نکوهیده انسان

هم‌چنان که در متن این رساله بارها آمده است، طنز در مثنوی معنوی به حکایت‌ها و ابیاتی خاص منحصر نیست و اگر درک و دریافت ناسازگاری و تناقض و بیان هنری آن را به عنوان تعریف بنیادین طنز بپذیریم هیچ صفحه‌ای از مثنوی را خالی از طنز نمی‌یابیم. آنچه در این پژوهش به عنوان حکایت‌های طنزآمیز و شوخ طبعانه آمده است از چشم‌اندازی خاص است و ممکن است دیگری از چشم‌اندازی دیگر مجموعه‌ای گسترده‌تر یا محدودتر از این را فراهم آورد و به هر حال مقوله طنز در مثنوی معنوی نظیر سایر مباحث و تعریف‌های مربوط به شاخه‌های گوناگون هنر همواره محل نزاع خواهد بود. بنابراین، توقع جامعیت و کمال از این مختصر نباید داشت. اما ذکر این نکته مانع از آن نیست که این متن بی‌نیاز از نقد و اصلاح قلمداد شود. بی‌تردید بزرگ‌ترین پاداش این تلاش، مطالعه و توجه و رهنمودهای بزرگان و صاحب‌نظران درباره آن است.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

مصلحتی تو ای تو سلطان سخن

۱۲ □ خندمین تر افسانه (جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی)

کیمیا داری که تبدیلتش کنسی
گرچه جوی خون بود نیلتش کنی
این چنین میناگری‌ها کار توست
این چنین اکسیرها اسرار توست
ای خدا ای فضل تو حاجت‌روا
با تو یاد هیچ کس نبسود روا

www.ketab